

نگاهی به اقتصاد

سردبیر

مقدمه:

اقتصاد کشور در سال‌های اخیر از شرایط نسبتاً پایدار و باثباتی برخوردار بوده و مجموعه اقدامات و سیاست‌های دولت در قالب برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نتایج ارزشمندی در زمینه رشد تولید و سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال، کاهش تعهدات خارجی و افزایش منابع ارزی رسیده است.

ثبات بازارهای جهانی نفت خام در تعامل با سیاست‌های مناسب و همسو سبب شد علیرغم شرایط نامناسب منطقه و تداوم مشکلات ساختاری، اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۱ همچنان در مسیر رشد مثبت و تعادل بلندمدت خود از لحاظ تولید و سرمایه‌گذاری قرار داشته باشد. براساس برآوردهای اولیه، با توجه به بهبود عملکرد بخشهای کشاورزی و نفت و گاز، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۸۱ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶) به ۷/۴ درصد رسید که در قیاس با عملکرد دو دهه گذشته، دستاورد قابل توجهی محسوب می‌شود. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون احتساب نفت نیز ۷/۸ درصد بود. همچنین نرخ تورم که از آن بعنوان عمده‌ترین شاخص بخش اسمی اقتصاد یاد می‌شود، در سطح ۱۵/۸ درصد کنترل گردید.

بخشی از این دستاوردها معلول تحولات روی داده در بخش خارجی اقتصاد ایران بوده است. این بخش طی سال‌های اخیر صحنه تحولات سیاستی و مقررات‌زدایی گسترده‌ای بود. در زمینه اصلاح ساختار نظام تجارت خارجی، با تجدید نظر اساسی در نظام تعرفه‌های تجاری و نیز افزایش آزادی عمل در نحوه مدیریت منابع و عواید ارزی صادرکنندگان، گام‌های اساسی به سوی نظام تجارت آزاد برداشته شد. آثار این تحول را می‌توان در رشد متوسط سالانه ۱۱ درصدی صادرات غیرنفتی در سه سال گذشته و ۲۱ درصدی واردات مشاهده نمود.

بازار ارز کشور به‌عنوان محمل جریان‌های مالی مبادلات خارجی نیز طی چند سال اخیر از ثبات بی‌نظیری برخوردار بوده است. به‌طوری که متوسط سالانه نرخ برابری ریال در مقابل دلار در بازار با یک درصد تنزل از ۸۱۸۸/۱۳ ریال/دلار در سال ۱۳۷۹ به ۸۰۱۸/۹۴ ریال در سال ۱۳۸۱ رسیده است. موفقیت بانک مرکزی در کنترل دامنه نوسانات و تغییرات نرخ ارز و ایجاد ثبات در بازار ارز مرهون وجود اتفاق‌نظر و نگرش صائب و سازنده در میان مدیران ارشد و سیاست‌گذاران اقتصاد کلان کشور و نیز همراهی و هم‌جهتی روند تحولات کلیه مؤلفه‌ها و دست‌اندرکاران بخش خارجی اقتصاد بوده است. از مهمترین دستاوردهای اقتصاد ایران در این حوزه طی سال‌های اخیر می‌توان به اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی یکسان‌سازی نرخ ارز، منسجم نمودن بازار ارز کشور در قالب بازار بین‌بانکی، حذف بازارهای غیررسمی، کاهش تشریفات اداری تجارت خارجی از جمله حذف گام به گام الزام پیمان سپاری ارزی از مراحل صادرات و تقلیل پیش‌پرداخت گشایش اعتبار اسنادی برای واردات اشاره نمود.

سرمقاله این شماره از نشریه روند به بررسی دستاوردهای اخیر اقتصاد ایران با تاکید بر بخش خارجی اختصاص دارد.

تحولات مهم اقتصاد کشور در سال ۱۳۸۱:

در سال ۱۳۸۱ نیز همچون سال‌های گذشته ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری در صدر چالش‌های اقتصاد کشور قرار داشت. در این زمینه برنامه‌ریزی‌هایی برای تامین منابع مالی موردنیاز طرح‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال را از طریق مکانیزم پیش‌بینی شده در ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه و وجوه اداره شده بودجه‌ای و نیز ارایه تسهیلات قرض‌الحسنه به واحدهای فعال موجود برای تقویت و افزایش ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و اعطای تسهیلات ارزی به تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران از طریق حساب ذخیره ارزی صورت پذیرفت.

با عنایت به شرایط خاص کشور و اولویت مقابله با بحران بیکاری در قانون برنامه سوم توسعه و قوانین بودجه سنواتی، تکالیف روشن و مشخصی طی سال‌های اخیر بر عهده دولت و نظام بانکی با هدف اشتغال‌زایی گذارده شد. این تکالیف اگر چه در قانون برنامه سوم توسعه تعریف شده، لیکن به علت تاخیر در تدوین و اجرای آیین‌نامه‌های مربوطه عملاً از اواسط سال ۱۳۸۰ به مرحله اجرا درآمده است. تسهیلات وجوه اداره شده موضوع جزء (۲) بند (ب) تبصره (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۰ و (ل) تبصره (۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۱، تسهیلات موضوع ماده ۵۶ قانون برنامه سوم و تسهیلات تکلیفی موضوع بند (ج) تبصره (۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۱ از جمله تسهیلاتی هستند که به صورت ویژه در اختیار متقاضیان اجرای طرح‌ها و کارفرمایان آماده ایجاد فرصت‌های شغلی جدید قرار گرفته است. به طوری که طی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ جمعاً معادل ۹۰۰۰ میلیارد ریال (دو فقره ۴۵۰۰ میلیارد ریال) وجوه اداره شده دولتی در قالب بودجه سنواتی مورد تصویب قرار گرفت تا از طریق بانکها در اختیار متقاضیان و مجریان طرح‌ها قرار گیرند. از محل وجوه مصوب بودجه سال ۱۳۸۰ معادل ۳۹۴۰ میلیارد ریال و از محل وجوه مصوب بودجه سال ۱۳۸۱ نیز

معادل ۱۳۲۰ میلیارد ریال به حساب بانکهای عامل واریز گردیده است. در مقابل وجوه واریزی (معادل ۵۲۶۰ میلیارد ریال تا پایان اسفند ماه سال گذشته) بانکها معادل ۱۷۰۰۰ میلیارد ریال طرح مصوب از کمیته‌های برنامه‌ریزی استانی دریافت نموده‌اند که معادل ۹۸۰۰ میلیارد ریال آن مورد تصویب نهایی قرار گرفته است. جمع وجوه پرداختی بانکها جهت اجرای طرح‌های مصوب یادشده تا پایان سال گذشته حدود ۳۱۰۰ میلیارد ریال بوده است که برآورد شده از این محل حدود ۱۴۰ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شده باشد. تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۱ کل وجوه پرداختی از محل مکانیزم ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه معادل ۱۱۰۶۶ میلیارد ریال بوده است (۲۶۲۶ میلیارد ریال طرح قدیم خود اشتغالی و ۸۴۴۰ میلیارد ریال تسهیلات جدید کارفرمایی). نتایج آماری اجرای طرح ضربتی اشتغال نشان می‌دهد که طرح مذکور با موفقیت نسبی روبرو بوده است.

مکانیزم‌دیگرایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تسهیلات تکلیفی بند (ج) تبصره (۳) قوانین بودجه سنواتی می‌باشد. بند (ج) تبصره (۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۱ معادل ۴۲۰۰ میلیارد ریال افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی برای بانکها تعیین نموده که معادل ۲۲۳۰ میلیارد ریال از آن هدف‌گیری اشتغال‌زایی دارد. عملکرد بانکها از محل تسهیلات تکلیفی سال ۱۳۸۱ حکایت از آن دارد که تا پایان اسفندماه سال مزبور کل ارقام مصوب و پرداختی بانکها معادل ۱۷۰۰ و ۱۵۵۰ میلیارد ریال بوده است. این عملکرد در مورد تسهیلات با اهداف اشتغال‌زایی به ترتیب معادل ۹۲۰ و ۸۸۰ میلیارد ریال بوده است.

شاخص‌های اقتصادی بخش ساختمان و مسکن نیز طی سال گذشته رشد چشمگیری از خود نشان داد؛ به نحوی که ارزش افزوده این بخش در سال ۱۳۸۱ به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۹، حدود ۱۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و فراتر از هدف پیش بینی شده در قانون برنامه سوم توسعه (۹/۶ درصد) قرار گرفت. رویکرد بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری

در این بخش با توجه به بالا بودن نرخ بازدهی کوتاه‌مدت آن در قیاس با دیگر بخشهای اقتصادی و وجود مازاد تقاضا، عمده‌ترین دلایل تداوم رونق مذکور بوده است. علیرغم روند عمومی تصاعدی فعالیت‌های بخش مذکور، بی‌ثباتی سیاست‌ها در حوزه زمین و ساخت و ساز سبب ایجاد افت و خیز در عملکرد فصلی بخش مسکن شده است. این نوسانات که عمدتاً ناشی از نامشخص بودن مسئله فروش تراکم در شهر تهران می‌باشد، موج بالاتکلیفی سرمایه‌گذاران و افزایش انتظارات تورمی در این بخش را پدید آورد که با سرعت زیاد به سایر نقاط کشور نیز تسری یافت.

از دیگر تحولات مهم اقتصاد کشور در سال گذشته می‌توان به تصویب و ابلاغ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تصویب اصلاح قانون مالیات‌ها و قانون موسوم به تجمیع عوارض اشاره کرد که به لحاظ تدوین چارچوب‌های قانونی مورد نیاز و شفاف‌سازی محیط حقوقی فعالیت اقتصادی، ابزارهای سیاستی موثری را برای قانونگذار فراهم نموده است. عرضه اوراق قرضه ارزی ایران به بازارهای مالی بین‌المللی طی دو مرحله با شرایط مناسب و استقبال قابل توجه، نه تنها زمینه معرفی اقتصاد کشور به بازارهای بین‌المللی را فراهم ساخت بلکه حتی فتح بابی برای حضور موثر موسسات تولیدی - خدماتی کشور در این بازار و تنوع بخشی به روش‌های تامین مالی مناسب تلقی می‌گردد.

در جهت انسجام بخشی به بودجه عمومی دولت، طرح اصلاح ساختار نظام بودجه‌ریزی توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از ابتدای ۱۳۸۱ به اجرا درآمد. مهمترین دستاورد این طرح شفاف تر شدن نحوه گزارش دهی منابع و مصارف بودجه عمومی دولت است. به منظور متمرکز نمودن نظام مالیاتی و سامان‌دهی امور مالیاتی مودیان، قانون تجمیع عوارض و قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم در اواخر سال ۱۳۸۰ به تصویب رسیده و از ابتدای سال ۱۳۸۱ ابلاغ گردید.

بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های اخیر از رونق مناسبی برخوردار بود که عمدتاً ناشی از رکود بازار سایر دارایی‌های حقیقی و مالی (مانند زمین و مسکن، طلا، اتومبیل، ارز و امثال آن) می‌باشد. همچنین بخشی از رونق بورس معلول ورود سرمایه‌های با مبدا خارجی بویژه از سوی ایرانیان مقیم خارج کشور به منظور انتفاع از نرخ بالای بازدهی اسمی دارایی در ایران نسبت به کشورهای دیگر بوده است.

در جهت آزادسازی بازار مالی داخلی، در سال ۱۳۸۱ برای اولین بار مجوز فعالیتهای شرکت‌های بیمه خصوصی صادر گردید و انتشار اوراق مشارکت جهت تامین مالی طرح‌های مختلف عمرانی و تولیدی گسترش یافت؛ به طوری که پروژه‌هایی نظیر طرح نیشکر خوزستان، ایران خودرو و پروژه‌های آب و برق از این طریق تامین مالی شد.

در بخش پولی و بانکی، نرخ سود مورد انتظار تسهیلات بانکی به طور متوسط یک واحد درصد کاهش یافت و سهم مصارف آزاد بانکها از افزایش در مانده تسهیلات اعطایی بانکها به بخش غیردولتی به ۳۵ درصد افزایش یافت. در حوزه سیاست پولی و اعتباری، ارزیابی‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد میزان نقدینگی در گردش اقتصاد از حدود نیاز آن فراتر است. با توجه به اهمیت خاص ثبات قیمتها در اقتصاد ایران و نیز رشد سریع نقدینگی، اجرای سیاست‌های عقیم‌سازی در راس اهداف سیاست پولی اقتصاد قرار گرفت. بدین جهت مجوز انتشار اوراق مشارکت جدید بانک مرکزی و نیز جایگزینی اوراق مشارکت سررسید شده در سال ۱۳۸۰ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. با توجه به بازدهی بالای سرمایه‌گذاری در ساختمان و مسکن و نیز نرخ سودآوری قابل توجه بورس اوراق بهادار تهران، پیشنهاد کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی به تصویب شورای پول و اعتبار نرسید، لیکن افزایش منابع آزاد بانکها و نیز منابع مالی جدید قابل استقراض آنها، شورا را متقاعد نمود نسبت به کاهش یک درصدی متوسط نرخ سود تسهیلات بانکها اقدام نماید. علاوه بر این افزایش

کیفیت و بازدهی در تخصیص اعتبارات و تقویت نظارت مستمر بر عملیات پولی و اعتباری و زمینه‌سازی اعطای تسهیلات بانکی به کالاهای مصرفی بادوام، نیمه با دوام و صادراتی، افزایش پانصد میلیارد ریالی سهم تسهیلات مسکن فرهنگیان (بدون کمک سود) و بالاخره اعطای معادل بیست و پنج درصد از افزایش در مانده تسهیلات بخش غیردولتی از نسبت‌های مربوط به سهم بخش‌ها نیز مورد تاکید قرار گرفت. نرخ تورم (به عنوان مهمترین شاخص و سنجه عملکرد اقتصاد کشور و ماحصل تعاملات بخش‌های مختلف) در این سال در سطح ۱۵/۸ درصد متوقف شد؛ و علیرغم شتاب‌گیری روند عمومی افزایش قیمت‌ها نسبت به سال ماقبل (۱۱/۴ درصد) پایین‌تر از سطح مورد انتظار و پیش‌بینی شده قرار داشت. کسب این موفقیت مرهون انضباط مالی مناسب دولت، کارکرد موثر حساب ذخیره ارزی و اعمال سیاست‌های پولی مقتضی (انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی و کنترل سقف تسهیلات اعطایی بانکها) بوده است. این موفقیت علیرغم اجرای استراتژی یکسان‌سازی نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۸۱ و شرایط سیاسی - نظامی نامناسب منطقه به‌دست آمده است.

موفقیت نظام ارزی در انتقال به سازوکار نرخ واحد برابری ریال مهمترین و به نوعی برجسته ترین دستاورد دولت در سال‌های اخیر بوده است. طراحی صحیح استراتژی، اجتناب از شتاب‌زدگی در اجراء، به‌کارگرفتن آموزه‌های ناشی از تجارب ناموفق قبلی و تجربه دیگر کشورها و به‌طور خاص، اندیشیدن تمهیدات مناسب و راهکارهای جانبی برای کسب اطمینان نسبت به عدم رجعت به نظام چند نرخ و به ویژه دست زدن به این اقدام در مقطع زمانی مناسب مهمترین عوامل دخیل در حصول این موفقیت بوده است. به منظور تکمیل این فرآیند و نیز کسب اطمینان از تداوم این سیاست، هم‌زمان با اجرای استراتژی یکسان‌سازی نرخ ارز و تشکیل بازار منسجم ارز، نظام ارزی شناور مدیریت شده بعنوان نظام بهینه برای

کشور انتخاب و اعلام گردید و بر کارکرد نیروهای عرضه و تقاضا در آن تاکید بیشتری صورت گرفت.

بازنگری وسیع در مقررات و دستورالعمل‌های ناظر بر مبادلات ارزی در حوزه حساب جاری تراز پرداختها و چگونگی تامین نیازهای ارزی این بخش از فعاليتها ديگر دستاورد شایان ذکر اقتصاد ایران است. اگرچه استفاده از امکانات اقتصاد بین‌الملل و کسب هماهنگی با روند تحولات آن ایجاب می‌کند حساب سرمایه اقتصاد ایران نیز بتدریج و به‌صورت گزینشی باز شود تا فعالان اقتصاد ایران بتوانند خود را با استانداردهای فعالیت اقتصادی در سطح بین‌الملل وفق دهند، لیکن این مهم تا زمان کسب آمادگی‌های لازم و ایجاد بسترها و نهادهای مناسب خصوصاً استقرار ساز و کارهای بازار ریال می‌باید به تعویق افتد. در عوض آزادسازی مبادلات حساب جاری با سرعت زیاد و به‌طور مرحله‌ای به انجام رسیده و بسیاری از موانع برداشته شده است.

در سال‌های اخیر اجماع قابل ملاحظه‌ای در نحوه نگرش درازمدت بر هزینه عواید ارزی ناشی از صدور نفت خام در میان تصمیم‌گیران اقتصاد کشور و مشاوران و کارشناسان ارشد وجود داشت. این اجماع قابل تقدیر همراه با رویکرد بانگ مرکزی به استفاده از ابزارهای متعارف و تجربه شده در سطح اقتصادهای تک محصولی مشابه، منجر به شکل‌گیری فعالیتهایی شد که هدف و کارکرد مصون‌سازی اقتصاد ایران از تاثیرپذیری کامل از روند تحولات بازار جهانی نفت را در میان مدت دنبال می‌نمود. تشکیل حساب ذخیره ارزی بنا به اصلاحیه ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و استفاده از مازاد حساب جاری تراز پرداختها جهت انباشت ذخایر خارجی کشور و بازپرداخت دیون ارزی استمهالی و تسریع روند اصلاح تجارت خارجی کشور اهم این فعاليتها را تشکیل می‌دهد.

در واقع اگرچه این تلاش‌ها اصلاحات ارزشمندی تلقی می‌شوند که طی یک برنامه‌ریزی دقیق و با موقعیت‌شناسی به اجرا گذاشته شده، لیکن نباید فراموش نمود که عدم رجعت به نظام چند نرخ ارز و مکانیزم پیچیده، غیرشفاف و پر از اختلال مقررات تجاری جز در پرتو توانمندسازی بخش خارجی اقتصاد، تداوم در ایجاد انعطاف‌پذیری لازم در سیاست‌های نرخ‌ارز و پیروی از نظام شناور مدیریت‌شده و سیاست‌تثبیت‌ارزش واقعی ریال امکان‌پذیر نخواهد بود.

استراتژی یکسان‌سازی نرخ ارز:

نظام ارزی کشور تقریباً در تمامی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مبتنی بر چندگانگی نرخ برابری ریال بوده است. با توجه به هزینه‌های میان مدت اقتصادی اجرای این نظام و پیامدهای زیان‌بار آن نظیر تخصیص غیربهبینه و اتلاف منابع اقتصاد، گسترش سفته‌بازی، رانت‌جویی اقتصادی و بویژه از دست رفتن بخشی از ذخایر خارجی و بین‌المللی کشور به منظور حفظ تصنعی یک نرخ برابری غیرواقعی برای ریال، سیاستگذاران ارشد کشور، رهاسازی اقتصاد از اختلالات مذکور را یکی از دغدغه‌ها و اولویت‌های خود برمی‌شمردند. قرین موفقیت نبودن تجربه یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲ اگرچه به عواملی نظیر سررسید شدن بخش عمده‌ای از بدهی‌های خارجی، کاهش شدید درآمدهای نفتی و عدم پیش‌بینی نحوه مقابله با اینگونه شوک‌ها، کسری تراز پرداختها قبل از یکسان‌سازی و عدم توجه به ترتیب و توالی مناسب اصلاحات اقتصادی نسبت داده شد، لیکن این تجربه ناموفق این پیام ضمنی را در برداشت که اصلاح ساختاری نرخ ارز مستلزم کسب آمادگی خاص در بدنه نظام اقتصادی و تدوین و تنظیم یک برنامه جامع تدریجی است که طی زمان به اجرا گذاشته می‌شود و ناسازگاری‌های آن نیز می‌باید به تدریج مرتفع گردد.

بدین لحاظ هدف کاهش نرخ تورم و تعدد نرخهای ارز، تغییر ترکیب تعهدات خارجی کشور به نفع سهم بیشتر تعهدات و بدهی‌های بلندمدت به منظور افزایش انعطاف‌پذیری نظام بانکی و پولی در نحوه بازپرداخت، کاهش شکاف نرخ مبادله ارز در بازار غیررسمی با بازار رسمی و تشکیل یک بازار منسجم و رسمی ارز که بانک مرکزی از ابزارهای مداخله مؤثر و سیاستگذاری سریع در آن برخوردار باشد، بعنوان مراحل مقدماتی مدنظر قرار گرفت. از آنجا که ثبات وضعیت اقتصادی نقش مؤثری در کنترل انتظارات تورمی مردم و جلوگیری از شکل‌گیری مارپیچ تورم - نرخ ارز دارد، اجرای کامل طرح در سال ۱۳۸۱ که کشور از نظر ظرفیت‌های تولیدی، دارایی‌های خارجی و تراز پرداختها در وضعیت بالنسبه مطلوبی قرار داشت، به نایب رسید.

با به اجرا گذاردن استراتژی نرخ ارز واحد از ابتدای سال ۱۳۸۱، بازار بین بانکی ارز بعنوان بازار عمده‌فروشی معاملات اسعار خارجی در مقابل پول ملی تشکیل گردید که قیمت یا نرخ برابری در آن بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین می‌گردد. مشارکت‌کنندگان در این بازار (معامله‌گران مجاز، بانکهای تجاری عضو و بانک مرکزی) در تعیین نرخهای خرید و فروش ارز برای مشتریان خود و در میان یکدیگر از آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. مداخله بانک مرکزی در این بازار ناظر بر دارایی‌های خارجی و ترکیب مناسب دارایی‌های بانک مرکزی، و نظر به برقراری روند تغییرات مناسب نرخ برابری و رفع بی‌نظمی‌های بازار انجام می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌گاه تضعیف نقش و کارکرد عوامل درونی بازار و شوک‌های خارجی به نوسانات و اختلالات عمده در قیمت‌گذاری نیانجامد. بنابراین حوزه عملکرد بانک مرکزی را ایفای نقش نظارتی و مداخله‌های حاشیه‌ای و نه کنترل مستقیم بازار تشکیل می‌دهد. صرافان دارای مجوز فعالیت به عنوان بازارساز به افزایش نقدینگی و کارایی بازار

کمک نموده و عموم فعالین اقتصادی نیز با مراجعه به آنان یا بانکهای عضو، نیازهای ارزی مجاز و قانونی خود را پوشش می‌دهند.

در نهایت مجموعه تمهیدات و اقدامات کارشناسی - اجرایی سابق الذکر به گذار کم هزینه اقتصاد کشور از نظام نرخ‌های چندگانه ارز به نظام تک‌نرخ انجامید. علیرغم کلیه بیم‌ها و دل‌نگرانیهای محافل کارشناسی و دستگاهی، اجرای استراتژی مذکور سبب تغذیه تورم و جهش انتظارات تورمی نگردید. پس از یک دوره کارکرد نسبتاً طولانی و احراز موفقیت در کنترل نوسانات نرخ ارز در دامنه مطلوب، می‌توان این نوید را به کلیه دست‌اندرکاران امور اقتصادی داد که تجربه نرخ ارز یکسان در سال ۱۳۸۲ با هزینه اندک و ماندگاری طولانی ادامه دارد و با پشت سر نهادن بحران‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای به صورت پدیده‌ای رجعت‌ناپذیر برای کشور قلمداد می‌شود.

انتخاب رژیم ارزی شناور مدیریت شده بعنوان بستر تحولات نرخ ارز:

تعیین رژیم ارزی کشور بعنوان بستر شکل دهنده روند نوسانات نرخ ارز از اهمیت خاص در مدیریت اقتصاد کلان برخوردار است. مقوله ارزش برابری پول ملی بواسطه قدرت تأثیر بخشی بالا بر اقتصاد ایران و تعیین کننده اصلی الگوی تخصیص منابع، موضوعی حساس و چندوجهی است که می‌باید در چارچوب اقتصاد کلان و با امعان نظر به کلیه سازوکارها و کارکردها (صادرات غیرنفتی، واردات، روند ورود و خروج سرمایه از کشور و جهت‌گیری الگوی فعالیت بخش واقعی اقتصاد) مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد.

در میان مدت و در مسیر تعدیل اقتصاد، نظام ارزی شناور مدیریت شده چهارچوب قابل اتکا و انعطاف‌پذیری برای تخلیه بخشی از عدم تعادل‌های داخلی از مجرای اقتصاد خارجی و کانال ارتباطات بین‌المللی محسوب می‌شود. خصوصیات مطلوب رژیم ارزی کشور را می‌توان در

چند نکته خلاصه نمود: تغییر متناسب و نظارت شده نرخ برابری ریال با توجه به وضعیت ترازپرداخت‌های خارجی علاوه بر ملحوظات شرایط اقتصاد داخلی، تعدیل تدریجی و آرام نرخ ارز به نحوی که مانع جهش و شوک یک‌باره در این بازار شود، هماهنگ نمودن ابزارها، شیوه‌های اداری و مقررات مرتبط به منظور کنترل تقاضای ارز به عنوان راهکار اصلی کنترل نوسانات نرخ و بالاخره طراحی یک برنامه جامع و بلندمدت به منظور اصلاح کلیه سازوکارها و مبانی اقتصاد کشور و توجه به کارکرد کوتاه مدت ابزارهای سیاستی.

هدف از انتخاب رژیم شناور مدیریت شده نرخ ارز تعیین و تعریف فرآیند تعدیل پویایی است که براساس آن ارزش واقعی ریال تا حدودی نقش لنگر اقتصاد ملی را ایفا نموده و نرخ اسمی ارز هم سو و همراه با مبانی و ساختارهای اقتصاد تغییر پذیرد. صیانت از پویایی و ثبات بخش خارجی اقتصاد که در صورت عدم تعادل می‌تواند به یک تهدید و آسیب جدی ثبات اقتصاد ملی تبدیل شود، در این چهارچوب به نحو موثرتری قابل حصول است. بدیهی است که به موازات اصلاح ساختارها و رفع تنگناها و مشکلات تحرک بخش داخلی، نیاز به این انطباق کمتر و اجرای این سیاست کم هزینه‌تر بوده و چهارچوب مذکور قابل تجدید نظر و تعدیل خواهد بود.

اصلاح سیاست‌های تجاری:

آزادسازی مبادلات ارزی ناظر بر اقلام حساب جاری ترازپرداختها و تسهیل و تسریع این فرآیند یکی از کانون‌های اصلی توجه و اهتمام سیاستگذاران اقتصاد کلان در دوره مورد بررسی بوده‌است. این جهت‌گیری از یکسو در جهت الزامات هماهنگ‌سازی اقتصاد ملی با شیوه‌های مورد عمل در اقتصاد جهانی بوده و از سوی دیگر کاهش هزینه‌های مبادلاتی این بخش را دنبال کرده است. البته یکی از اهداف عمده این اقدامات، القای حس اطمینان نسبت

به معامله در بازار بین بانکی بوده و امید می‌رود سرانجام با افزایش عمق و گستره این بازار، بازار غیررسمی ارز به حاشیه رانده شده و سرانجام از بدنه اقتصاد کشور حذف گردد. معاف شدن صادرات کلیه کالاها و خدمات از پیمان سپاری ارزی در سال ۱۳۸۱ و حذف تمایز میان ارز با منشا داخلی از ارز دارای منشا خارجی، امکان ورود عرضه‌کنندگان بیشتر به بازار بین بانکی را فراهم و بر ثبات و قوت این بازار افزوده است.

تداوم پرداخت جایزه، یارانه صادراتی و جبران خسارات صادرکنندگان ناشی از کاهش قیمت‌های جهانی و تورم داخلی، بحران‌های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز، اعطای تسهیلات ریالی و ارزی به صادرکنندگان کالاها و خدمات، گسترش پوشش‌های بیمه‌ای تجارت خارجی، افزایش حوزه‌های پوشش معاملات ارزی بخشهای خدماتی، ایجاد شرایط مناسب برای حضور سرمایه‌گذاران و ورود منابع مالی بین‌المللی به کشور (به صورت FDI و سپرده‌گذاری ارزی) و دیگر راهبردهای جنبی و فرعی نیز سبب ساز تداوم رشد این بخش بوده است.

از جمله اقدامات عمده در این زمینه، مقررات زدایی گسترده واردات با تبدیل لیست مثبت و مجاز به لیست منفی و غیر مجاز، تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای و تقلیل عوارض گمرکی برای گروه‌های وسیعی از کالاها، اعطای تسهیلات ارزی و ریالی جهت تامین مالی واردات و مناسب‌تر شدن شرایط استفاده از تسهیلات تامین مالی مجدد و تسهیلات بانک توسعه اسلامی و بالاخره کاهش هزینه‌های تامین مالی بین‌المللی در نتیجه کاهش رتبه ریسک کشوری بوده است. پس از چند مرحله تجدید نظر در میزان و نسبت پیش‌پرداخت واردات هنگام گشایش اعتبار اسنادی، تعیین این متغیر عمده هزینه‌ای در واردات از ابتدای سال ۱۳۸۱ در اختیار بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی قرار گرفت.

بدین لحاظ باید اذعان نمود عرصه مقررات و ضوابط اداری تجارت خارجی ایران شاهد تغییرات چشمگیری بوده است. لیکن نهادسازی، تغییر سهم کالاهای قابل مبادله از تولیدات کشور، سامان بخشی به فعالیت‌های سوداگرانه و در مقابل جذب سرمایه‌ها به تولید با نگرش صادرات و برای بازارهای جهانی، نوسازی بافت صنایع و روزآمد نمودن دانش فنی به کار رفته در نظام تولید کشور، ایجاد مقدمات استفاده از ابزارهای روز جهان (نظیر تجارت الکترونیکی) و چندین الزام ساختاری و میان مدت دیگر از جمله نیازهای فوری برای استفاده بیشتر از تحولات پیش گفته شده و ارتقای سهم ایران از بازار جهانی کالاها و خدمات است. اقداماتی که نیازمند تلاش جدی دست اندرکاران بخش واقعی اقتصاد و سیاستگذاران این بخش است.

ایجاد ثبات در بودجه دولت و تشکیل حساب مازاد در آمد ارزی:

بعنوان یک کشور نفت خیز مبتنی بر اقتصاد تک محصولی، اقتصاد ایران طی یک قرن اخیر همواره از تحولات بازار نفت بر وضعیت پولی، مالی و ارزی خود زیان دیده است. به منظور حساسیت زدایی اقتصاد و کم رنگ نمودن اثرات بخش نفت بر اقتصاد کشور، یک اقدام اساسی به عنوان راهبرد اصلی برای اقتصاد تک محصولی ایران پیش‌رو وجود داشت. تشکیل حساب یا صندوقی مانند حساب ذخیره ارزی برای کاهش اتکای بودجه به یک بخش و زمینه‌سازی تدریجی و بلندمدت برای تنوع بخشی به میانی تولید و صادرات اقتصاد نخستین اقدام عمده در این زمینه می‌باشد.

تشکیل حساب ذخیره ارزی بعنوان حساب مکمل و تثبیت‌کننده درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از صدور نفت خام، در طول برنامه سوم در جهت کاهش میزان اثرگذاری نوسانات بازار جهانی نفت بر بودجه دولت صورت گرفت. کارکرد این حساب را می‌توان به دو اثر ساختاری و عملکردی تقسیم نمود. اثر ساختاری مازاد منابع حساب ذخیره ارزی، ارایه

یک حاشیه ایمنی و اطمینان مثبت در صورت مواجهه اقتصاد کشور با شرایط نامساعد اقتصاد جهانی و شوک‌های بازدارنده و منفی داخلی است. اثر عملکردی آن نیز به یک تغییر رویه و رفتار در برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری ابزارهای کلان ملی تعبیر می‌گردد.

وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام و در نتیجه وجود نوعی پیشگامی در سیاستگذاری مالی و بودجه‌ای نسبت به حوزه‌های پولی و اعتباری، آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را به تحولات جهانی بازار نفت دوچندان کرده است. چنانچه سیاستگذار پولی از استقلال عملیاتی بیشتری در هدف‌گذاری‌های متغیرهای میانی و انتخاب ابزارهای پولی برخوردار نباشد، کنترل تورم و به تبع آن کنترل بودجه دولت نیز از دست خارج خواهد شد.

اساساً عدم تعادل در حجم پول معلول عدم توازن در سیاستگذاری کلان و یا تسلط شرایط محیطی و وقوع شوک‌های درونی و بیرونی اقتصاد است. برای حفظ تعادل در دو سطح کلان اقتصاد داخلی و خارجی، لازم است حوزه سیاستگذاری بانک مرکزی به کلیه بازارهای ارزی و ریالی گسترش یابد و ارزیابی تحولات مالی در منطقه بعنوان یک مولفه موثر وارد تابع هدف‌گذاری سیاستگذار پولی شود. حضور موثر در بازارهای ارزی روش شناخته شده‌ای برای انجام این وظیفه است.

چنانچه مهمترین وظیفه بانک‌های مرکزی را سیاستگذاری در بخش‌های اسمی و روبنایی اقتصاد (پول و ارز) و جذب عدم تعادل‌ها و شوک‌های وارده به بخش واقعی و ثبات بازارهای مالی تعریف شود، آنگاه مدیریت بازارهای اصلی و فرعی ارز به مثابه یک فضای عایق و حفاظ اقتصاد ملی عمل می‌کند. اولین نشانه‌های تسری بحران خارجی در هر اقتصاد، در بازار مالی ظاهر می‌شود و چنانچه از سرایت این شوک برون‌زا به بخش واقعی از طریق ابزارهای موثر ممانعت نشود، دست‌اندرکاران تولید اقتصاد ملی دچار یک بحران عمیق

خواهند شد که خروج از آن جز با پرداخت هزینه‌های سنگین تعدیل امکان‌پذیر نیست. درحالی‌که با اعمال یک مدیریت فعال در اقتصاد کلان می‌توان ابعاد شوک مذکور را در بازارهای پول و ارز محدود نمود و طی یک دوره‌گذار، فعالین اقتصادی را به سطح تعادلی جدیدی رسانید. در این صورت اثرات منفی بحران‌های خارجی یا تنش‌های اقتصاد بین‌الملل بر متغیرهای کلیدی نظیر سرمایه‌گذاری، سهم بخش خصوصی از اقتصاد، نرخ رشد اقتصادی، مزیت نسبی فعالیت‌های مولد و نظایر آن مجال ظهور نمی‌یابد. این کارکردهای بالقوه مهمترین دلیل رویکرد بانک مرکزی به ایجاد انسجام و یکپارچگی در بازارهای ارزی بعنوان جایگزینی بالقوه مناسب برای بازارهای ارز خارج از کشور بود که سایه مبادلات آن، همواره در بازار غیررسمی ارز کشور مشهود بوده و تعادل بازار ارز و فعالیتهای سوداگرانه بر آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌داد.

جمع‌بندی:

همانگونه که از مباحث مشروح یادشده برمی‌آید، بخش خارجی اقتصاد ایران در سال‌های اخیر گام‌های بلندی بسوی هم‌گرایی با برخی الزامات حضور موثر در اقتصاد جهانی برداشته و همزمان بسیاری از موانع پیش روی رشد و بالندگی اقتصاد داخلی را کمرنگ کرده است. بدون شک مسیر نیل به جایگاه مناسب و درخور بسیار طولانی است. اما باید توجه و تاکید نمود حفظ، ماندگاری، دوام و بقای این دستاوردها مستلزم استفاده موثر، هوشمندانه و دقیق از ابزارهایی است که در پرتو رژیم شناور مدیریت شده نرخ ارز در اختیار سیاستگذار ارزی قرار می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر برای آنکه کارکرد و آثار میان مدت و غیرفوری این تصمیمات در اقتصاد ملی فرصت ظهور و بروز بیابد و تسهیل آرمانهایی نظیر تنوع بخشی به مبانی اقتصاد صورت تحقق به خود بگیرد، پای‌بندی به اهداف این رژیم و پذیرش

انعطاف‌پذیری مناسب در دامنه نوسانات نرخ ارز تنها راهکار ممکنه است. می‌توان چنین تلقی نمود که "نوسان واقعی و انعطاف‌پذیری کنترل‌شده" نرخ برابری ریال در مقابل اسعار خارجی، محور به بار نشستن تمامی تلاش‌هایی است که طی سه سال اخیر صورت گرفته است. این دستاوردها در پناه شرایط مناسب بازار جهانی نفت و استفاده هوشمندانه از فرصت‌های بی‌بدیل پیرامونی اما به هزینه‌ای سنگین حاصل شده‌است. در صورت از کار انداختن این مکانیزم به هر دلیلی، از دست رفتن زحمات کنونی دور از انتظار و احتمال نخواهد بود.